

## فلسفه‌ی آسان‌گیری در تربیت از دیدگاه قرآن

سید عزالدین محمودی<sup>۱\*</sup>، علیرضا بزرگ زاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور کرج و مدیر آموزشگاه شهید حسین زاده روستای کلیچ  
<sup>۲</sup> دکترای مدیریت، مدرس دانشگاه پیام نور کرج

### چکیده

مقاله حاضر به کاوش در آیات قرآنی در رابطه با موضوع آسان‌گیری در تربیت از دیدگاه قرآن پرداخته است. نخست در باب تربیت بطور عام و تربیت از دیدگاه قرآن مطالب ذکر شده سپس به گشودن موضوع آسان‌گیری و تساهل پرداخته شده که در فرهنگ لغت‌های مختلف به معنای به هم آسان گرفتن، تسامح و تساهل آورده شده در کل بصورت "به آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن" تعریف شده است. بر همین اساس آیات مربوط و آیاتی که از معانی و تفسیرشان چنین برداشتی می‌شد استخراج و در سه دسته: ۱. توجه به توانایی و ویژگی‌های متریبان (تفاوت‌های فردی) ۲. استفاده از زبان روان و سلیس و استفاده از روش‌ها و محتوای قابل درک ۳. اختیار و اراده متریبی در امر تربیت، جای گرفته و سپس به توضیح و گشودن هر کدام از دسته بندی‌ها پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آسان‌گیری، قرآن، شیوه‌های تربیتی

## مقدمه

یکی از اصول مهم تربیت، عدم سخت گیری در امر تعلیم و تربیت است. البته مفهوم این اصل این نیست که اولیاء و مربیان محترم در مقابل تربیت فرزندان خود بی تفاوت باشند، بلکه در تربیت هم باید حد و سنت الهی در تربیت بر پایه تسهیل قرار گرفته است. خدای رحمان راه خیر و سعادت انسان را هموار و آسان کرده است ولی با این وجود انسان حقیق را موی پوشانند و بسه راه حقیق نموی رود. **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ**؛ و هر آینه قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا یاد آورنده و پند گیرنده ای هست؟ (قمر، آیه ۱۷).

خدای رحمان کتاب عزیزش را به گونه ای قرار داده است که فهم مقاصدش برای خاص و عام آسان باشد و هر کس به اندازه فهم و ادراک خود از آن بهره ببرد. سنت الهی چنین است و خدای مهربان شریعت خود را سهل و آسان قرار داده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷).

**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ**؛ خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد (بقره، آیه ۱۸۵).

هیچ چیز بسان ملایمت، رحمت، آسان گیری و نرمش، در تربیت آدمی و رشد صحیح عواطف انسانی مؤثر نیست؛ زیرا بدین وسیله است که عواطف آدمی تلطیف و تعدیل شود.

نرمی و مدارا کردن بهترین شیوه برای نرم کردن دل ها و همراه ساختن جان ها با امر تربیت است و هیچ چیزی همچون مدارا و آسان در تربیت دل انسان ها و رشد درست عواطف انسانی مؤثر نیست. این مسئله در سال های نخستین زندگی و دوران کودکی انسان، اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا وجود انسان لطیف تر است و به سهل گیری و چشم پوشی بیشتری نیاز دارد و باید آسان گیری سرلوحه همه رفتارهای تربیتی قرار گیرد. در برنامه تربیتی باید اصل را بر انتخاب و تعیین تکلیف های آسان قرار دهیم؛ زیرا این روش، یکی از زمینه های درونی و انگیزشی لازم برای فرزندان را فراهم می آورد و آنها را به سوی انجام دادن کارهای شایسته و دل خواه تشویق می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **بُعِثْتُ عَلَى الْحَنِيفَةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ**؛ من به آیین فطری آسان و چشم پوشنده برانگیخته شده ام (بحارالانوار).

## معنی لغوی تربیت

تربیت در زبان فارسی، به معنای «پروردن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن» و به معنای «آموزش و پرورش» (دهخدا، ۱۳۷۲؛ معین، ۱۳۶۰؛ عمید، ۱۳۶۹) هم آمده است.

اهل لغت، اغلب تربیت را با توجه به ریشه ی «رب، یرب» تعریف کرده اند. از نگاه برخی از اهل نظر، رب و تربیت از یک ریشه اند و معنای اساسی رب، تربیت است. همچنین کتاب های معتبر لغت زیادی در ذیل ریشه ی «رب» و کتاب های تفسیر در ذیل سوره ی «حمد»، واژه ی «رب العالمین» آورده اند که «رب» با تربیت مرتبط است. علاوه بر این، برخی از کتاب های لغوی معتبر مانند لسان العرب و تاج العروس، بعضی مشتقات واژه ی «تربیت» مانند «رَبَّ»، «تَرَبَّبَ»، «رَبِّي» و «تَرَبِّي» را به رغم این که از دو ریشه ی متفاوت «رَبَّب» و «رَبَو» هستند، در کنار هم بیان کرده اند (مهدی زاده، ۱۳۸۵).

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز آورده است که وقتی ماده ی «رَبَو» در مورد تربیت انسان به کار رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، برخلاف «تربیت» از ریشه ی اصلی «رَبَّب» که به معنای سوق به سمت کمال معنوی است. تربیت انسان، پیچیده و دارای ابعاد، آثار و لوازم فراوانی می باشد.

به نظر می‌رسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی نمودن، تأدیبه، چیزی را ایجاد نمودن و به تدریج تکامل بخشیدن و حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و تتمیم، که برای ریشه ی «رب» و «ربو» نقل شده است، از آثار و لوازم تربیت و سوق به سوی کمال هستند (احمد زاده، ۱۳۸۹).

در زبان انگلیسی، واژه‌ی education برای بیان معنای مورد نظر، از تربیت استفاده می‌شود که دارای دو ریشه است؛ این واژه از ریشه ی یونانی educare به معنای «تغذیه و خوراک دادن» یا از ریشه ی educere به معنای «بیرون کشیدن و رهنمودن به...» و به اختصار، پروردن است و روی هم رفته، از این کلمه، غذا دادن و پروردن استفاده می‌شود (گاستون؛ ترجمه‌ی کردان، ۱۳۷۵).

**در اصطلاح**، تربیت عبارت است از رشد دادن یک پدیده از راه بر طرف ساختن موانع و فراهم کردن زمینه رشد و شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته در آن (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق؛ مصطفوی، ۱۳۶۰).

### تعاریفی از تربیت

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم (مطهری، ۱۳۸۳).

استاد مصباح تربیت را، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای اینکه استعدادها و نیروهای یک موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره مند شود (گروه نویسندگان ۱۳۸۸).

از نظر **دیویی**: تربیت، مجموعه فرایندهایی است که از راه آنها، گروه یا جامعه - چه کوچک و چه بزرگ - توانایی‌ها و خواسته‌های خود را به اعضا و نسل‌های جدید منتقل می‌کند تا بقا و رشد پیوسته خویش را تضمین کند. (پیشین).

**روسو**: تربیت، هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت و هدایت نیروهای طبیعی و استعدادهای متربی و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد. از نظر او تربیت، فرایند پرورش متربی در گستره استعدادهای مادرزادی است.

**کانت**: تربیت، پرورش و تأدیبه و تعلیم توأم با فرهنگ است که در پی کامیابی متربی در جامعه آینده است؛ جامعه‌ای که به مراتب از جامعه کنونی برتر است. (احمد زاده، ۱۳۸۹).

### تربیت در قرآن

تربیت به معنای رشد و فزونی و نمو استعدادهای و فعلیت بخشی به استعدادهای انسان در راستای دست یابی به کمالات بایسته و شایسته، از اهمیت و ارزش بسیاری در آموزه‌های قرآنی برخوردار است؛ چرا که تربیت و پرورش نفوس انسانی از اهداف مهم و اساسی بعثت پیامبران به ویژه پیامبر گرامی اسلام است. (بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲).

رَبَّنَا وَإِنَّا فَیْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِکَ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَیُزَکِّیْهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ : ای پروردگار ما، از میانشان پیامبری بر آنها مبعوث گردان تا آیات، تورا برایشان بخواند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد و آنها را پاکیزه سازد و تو پیروزمند و حکیم هستی (بقره، آیه ۱۲۹).

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ : همچنان که پیامبری از خود شما را بر شما فرستادیم تا آیات ما را برایتان بخواند و شما را پاکیزه گرداند و کتاب و حکمت آموزد و آنچه را که نمی‌دانستید به شما یاد دهد (بقره، آیه ۱۵۱).

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: خدا بر مؤمنان انعام فرمود، آنگاه که از خودشان به میان خودشان، پیامبری مبعوث کرد تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند (آل عمران، آیه ۱۶۴).

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ: اوست خدایی که به میان مردمی درس‌نخوانده پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا، آیاتش را بر آن‌ها بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد اگر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند (جمعه، آیه ۲).

سوگندهای مکرر خداوند در آیات قرآنی پیش از بیان مساله تربیت و تزکیه نفوس نشان می‌دهد که از نظر خداوند و آموزه‌های وحیانی قرآن، اهمیت و ارزش تربیت چنان بسیار است که لازم است تا سوگندهای متعدد توجه مخاطب به مساله ای مهمی چون تربیت جلب و جذب شود.

خداوند هم چنین در آیه ۶ سوره تحریم یکی از مهم ترین تکالیف خانوادگی را خیرخواهی نسبت به آنان در قالب تربیت آنان می‌داند که موجب جلوگیری آنان به دوزخ از طریق تربیت و تعلیم و تزکیه آموزه‌های وحیانی اسلام می‌داند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ‌ها هستند نگه دارید فرشتگانی درشت گفتار و سخت‌گیر بر آن آتش موکلند هر چه خدا بگوید نافرمانی نمی‌کنند و همان می‌کنند که به آن مامور شده‌اند (تحریم، آیه ۶).

اصولاً خداوند خود را در بیش‌ترین آیات قرآنی به عنوان رب معرفی می‌کند و چنان که گذشت ربوبیت الهی ارتباط تنگاتنگی با تربیت انسانی دارد؛ چرا که خداوند در مقام ربوبیت است که نقش پروردگاری را به عهده گرفته و بر آن است تا با ایجاد استعداد و نیز پرورش آن زمینه ساز ورود و دسترسی و دستیابی هر کس و هر چیزی به کمالات بایسته و شایسته آنان باشد.

خداوند در آیاتی از جمله ۱۲۲ سوره طه به این نکته اشاره می‌کند که خداوند خود مسئولیت مستقیم ربوبیت و پروردگاری را به عهده گرفته و حتی پس از خطا و اشتباه بشر او را در طریقی قرار می‌دهد تا به اظهار استعدادها و قوای خود بپردازد و کمالات بایسته و شایسته اش را به دست آورد. این که خداوند در آیاتی از جمله آیه دوم سوره حمد خود را رب العالمین معرفی می‌کند، توجه بخشی به مساله پروردگاری و پرورش و تربیت موجودات به ویژه انسان و جنیان است.

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى: سپس پروردگارش او را برگزید و توبه‌اش را بپذیرفت و هدایتش کرد (طه، آیه ۱۲۲).

به هر حال خداوند از نقش پروردگاری خود برای تربیت انسان‌ها در آیات بسیاری از جمله ۲۱ و ۴۹ و ۷۶ و ۱۰۵ و ۱۳۹ سوره بقره و آیات دیگر سخن به میان آورده تا این‌گونه بر نقش کلیدی و اساسی تربیت در زندگی بشر تاکید کرده و مردمان را بدان توجه دهد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره، آیه ۲۱).

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٍ (بقره، آیه ۴۹).

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِغُضْهِمْ إِلَيْهِ بَغَضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُخَاجُوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، آیه ۷۶).

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (بقره، آیه ۱۰۵).

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (بقره، آیه ۱۳۹).

و آیات دیگری از قرآن وجود دارند که دلالت بر امر تربیت و پاکیزه گرداندن انسان و نفسش که همگی دلالت بر تزکیه دارند و چهره مرتبی در حال شدن و روندگی در مسیر کمال یابی و تربیت پذیری را تصویر می‌کنند، حال آنکه دست یافتن به مقام تزکیه، ترسیم کننده سیمای انسان بار یافته به قله کمال تربیت یافتگی است:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا \* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: هر کس نفس خود را پاک و تزکیه \_ تربیت \_ کرده است، رستگار شد. و آن کس که نفس خود را با معصیت و گناه آلوده ساخت، نومید و محروم گشته است (شمس، آیه ۱۰-۹).

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى: رستگار شد آن کس که نفس خویش را تزکیه کرد (اعلی، آیه ۱۴).

..... وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ .....: و هر کس به تزکیه و پاکی خویش پردازد، نتیجه آن به خودش باز می‌گردد (فاطر، آیه ۱۸).

أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى \* فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهِي أَنْ تَزَكَّى: (ای موسی) به سوی فرعون، برو که طغیان کرده است و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (نازعات، آیه ۱۸-۱۷).

و همچنین پیامبر (ص) در باب تربیت می‌فرماید: **و بالتعلیم ارسلت** یعنی برای تعلیم برگزیده شده ام (بحارالانوار، ج 1، باب 4، حدیث 35) و نیز فرموده: **الحکمه ضاله المومن فخذ الحکمه ولو من اهل نفاق حکمت گمشده مومن است پس آن را فرا گیرید هر چند در دست منافق باشد** (بحارالانوار، ج 2)، و حدیث **اطلب العلم ولو بالصین** دانش را بیاموزید هر چند که در چین باشد (پیشین) همه دلیل بر ارج نهادن به مساله تعلیم و تربیت و علم آموزی و یادگیری می‌باشد.

## تساهل و آسان‌گیری

لغت‌نامه دهخدا: به همدیگر آسان گرفتن، تسامح.

فرهنگ فارسی معین: سهل گرفتن بر همدیگر.

فرهنگ لغت عمید: سهل گرفتن؛ سست گرفتن، به نرمی رفتار کردن.

معمولاً تساهل با تسامح مترادف دانسته شده است و به معنای «به آسانی و نرمی با کسی برخورد کردن» می‌باشد. و به دو نفری که با هم با نرمی و بخشش رفتار کنند، می‌گویند: این دو با هم تساهل کرده‌اند. لیکن کلمه تسامح فرق ظریفی با تساهل دارد و آن این است که تسامح از ماده «سَمَحَ» به معنای بخشش و بزرگواری است و بنابراین، تسامح به معنای نوعی کنار آمدن همراه با جود و بزرگواری می‌باشد (فیروز آبادی).

باقری ۱۳۸۷ در مقاله‌ای با عنوان " شیوه تسامح و مبانی آن در تربیت نبوی " تسامح را اینگونه ذکر نموده است:

تسامح به حرکتی جهت دار و در عین حال ملایم در مواجهه با جهت‌های مغایر گفته می‌شود. در این تعریف، دو عنصر اساسی وجود دارد: نخست " جهت دار " بودن این حرکت و دوم، " مواجهه ملایم " آن با جهت‌های مغایر. حذف هر یک از این دو عنصر، مانع از آن خواهد بود که بتوان تصویری مناسب از تسامح، چنان که در شیوه پیامبر (ص) آشکار شده است، فراهم آورد.

حذف عنصر نخست، یعنی جهت دار بودن، می تواند تصویری دیگر از تسامح بسازد که طبق آن، فرد با هر سبک و سیاقی همراهی نشان می دهد و خود، جهتی مشخص را تعقیب نمی کند. برخی تسامح را به این معنا به کار می برند. بر این اساس، فرد اهل تسامح کسی است که هر آئین و هر شیوه را به دیده قبول می نگرد و هیچگونه اصطکاک با آنها ندارد. چنین مفهومی از تسامح، در کار پیامبر (ص) مطرح نبوده زیرا وی آئینی ویژه را معرفی کرده که آن را استوار می دانسته و به آن دعوت می کرده است. با توجه به این نکته، نباید تصور کرد که تسامح، با اعتقاد راسخ به آئین یا شیوه ای مشخص سر ناسازگاری دارد، بلکه به عکس، فرد اهل تسامح، در عین حال می تواند از چنین اعتقادی برخوردار باشد.

عناصر دوم، برخورد ملایم در مواجهه با جهت های مغایر است. حذف این عنصر از تعریف فوق نیز آشکارا مانع از آن خواهد بود که بتوان تصویری مناسب از تسامح فراهم آورد. با توجه به این عنصر، فرد اهل تسامح کسی است که بتواند در مواجهه با آئین ها و شیوه های دیگر، برخوردی ملایم با آنها داشته باشد (باقری، ۱۳۸۷).

در این مقاله منظور ما از آسان گیری و تساهل در تربیت همان به نرمی رفتار کردن و آسان گرفتن امور تربیتی و اتخاذ روش های تربیتی است که متری دوست داشته و از آن ها لذت می برد. البته این به معنای بی خیالی و بی هدفی نیست. و در بین آیات قرآنی، آیاتی را که بر آسان گرفتن تربیت و انتخاب شیوه های آسان در تربیت توجه دارند استخراج شده اند.

### انواع روش های تربیتی در قرآن

روش های تربیتی فراوانی را می توان از دل قرآن و آیات آن استخراج کرد و باید گفت که بزرگترین روان شناس تربیتی هستی کلام الله و قرآن مجید است و خداوند سبحان روش های متفاوتی را برای تربیت در اختیار ما گذاشته است و باید در قرآن تدبیر کرده و نسبت به درک و دریافت و در نهایت عمل کردن به آن ها اقدام کرد. بعضی از روش های موجود که با مطالعه و تحقیق از آیات قرآن دریافت شده اند عبارتند از:

**ارایه الگو و سرمشق تربیتی:** (احزاب، آیه ۲۱؛ انعام، آیه ۹۰؛ ممتحنه، آیات ۴ و ۶؛ تحریم، آیه ۱).

**بیان تدریجی:** (فرقان، آیه ۳۲؛ شعراء، آیه ۱۹۲؛ واقعه، آیه ۸۰؛ حاقه، آیه ۴۳).

**آسان گیری:** (بقره، آیات ۲۳۳ و ۲۸۶؛ انعام، آیه ۱۵۲؛ اعراف، آیه ۴۲؛ مومنون، آیه ۶۲).

**استمرار رهنمودها:** (آیه ۵۱ سوره قصص).

**تبیین علت رفتارها:** (لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۹).

**بیم و امید:** (آیاتی ۱۹۴ آل عمران، ۱۴۷ و ۱۶۵ انعام، ۱۶۷ سوره اعراف، ۲ سوره یس و آیه ۶ سوره رعد).

**رفتار علمی:** (اسراء، آیات ۳۶ و ۳۸).

**تحریک عواطف و احساسات:** (نساء، آیه ۹؛ نور، آیه ۲۲).

**تشویق و تنبیه:** (انعام، آیه ۱۴۷؛ فصلت، آیه ۴۳؛ فرقان، آیات ۶۳ و ۷۵) و .....

چون در این مقاله مجال پرداختن و بسط همه روش ها وجود ندارد از میان روش های فوق به آسان گیری در تربیت پرداخته می شود. و آیات موجود در این مورد استخراج و بحث و تفسیر می گردند.

### آسان گیری در تربیت از دیدگاه قرآن

دین اسلام آخرین پیغام آسمانی است که خداوند آنرا برای همه مردم فرو فرستاده است چه در مشرق و چه در مغرب، برای زن و مرد، قدرتمند و ناتوان، ثروتمند و فقیر، دانا و نادان، سالم و بیمار؛ به همین خاطر خداوند عظیم الشان با لطف و کرم خویش پیغام خود را به گونه ای نازل فرموده که فهم آن برای هر کسی میسر می باشد و عمل نمودن به آن سهل و آسان می باشد. و نیز همه مردم را در خود جای می دهد و هر مکلفی می تواند آنرا انجام دهد. دین اسلام در واقع ابتدا رخصت و مجاز بودن است بعد

عزم و اراده، آسان‌گیر و طبیعتی ملایم و نرم دارد، یعنی دین اسلام در پی آن است که مشقت و حرج را از مردم بر دارد. آسان‌گیری یکی از اهداف این دین به شمار می‌آید و یکی از ویژگی‌های عمومی آن است چه در احکام، عقیده، اخلاق و معاملات و چه در اصول و فروع دین. پروردگار ما با لطف و مرحمت خویش بندگان را به اموری که در آن مشقت و ناراحتی زیاد وجود داشته باشد مکلف ننموده و هیچ وقت نخواستہ مردم را در تنگنا قرار دهد و دین خود را به منظور مهر و محبت و آسان‌گیری نازل فرموده است. البته در اینجا مراد از آسان‌گیری، بی‌هدفی، بی‌مسئولیتی نیست بلکه به طریقی آسان‌گیری در قرآن نشانی از عدالت و عدل ورزی می‌باشد.

در جستجو در آیات قرآنی مرتبط با موضوع مقاله، آیات مورد نظر را استخراج نموده و با توجه به موضوع هر آیه، دسته‌بندی جدید ایجاد نموده و آیات را به سه طبقه با عناوین ذیل درآوردیم:

- ۱- با توجه به توانایی و ویژگی‌های متریبان (تفاوت‌های فردی)
- ۲- استفاده از زبان روان و سلیس و استفاده از روش‌ها و محتوای قابل درک
- ۳- اختیار و اراده متریبی در امر تربیت.

آیاتی که در دسته اول (توجه به توانایی و ویژگی‌های متریبان (تفاوت‌های فردی) قرار دارند عبارتند از:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْزِعَهُنَّ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا نُضَارُّ وَالِدَةً بَوْلَدِهَا وَلَا مَوْلُودًا لَهُ بَوْلِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ: مادرانی که می‌خواهند شیر دادن را به فرزندان خود کامل سازند، دو سال، تمام شیرشان بدهند خوراک و لباس آنان، به وجهی نیکو، بر عهده صاحب فرزند است و هیچ کس بیش از قدرتش مکلف نمی‌شود. نباید هیچ مادری به خاطر فرزندش زبانی بیند و هیچ پدری به خاطر فرزندش و قییم نیز چنین بر عهده دارد و اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشاورت یکدیگر فرزندشان را از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده‌اند و هرگاه بخواهید کسی دیگر را به شیر دادن فرزندتان برگمارید، اگر مزدی نیکو و در خورش بپردازید گناهی نیست از خدا بترسید و بدانید که او به کاری که می‌کنید بصیر و بیناست (بقره، آیه ۲۳۳).

لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِيْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لِطَاقَةِ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکی‌های هر کس از آن، خود اوست و بدی‌هایش از آن خود اوست ای پروردگار ما، اگر فراموش کرده‌ایم یا خطایی کرده‌ایم، ما را بازخواست مکن ای پروردگار ما، آن گونه که بر امت‌های پیش از ما تکلیف گران نهادی، تکلیف گران بر ما منه و آنچه را که طاقت آن نداریم، بر ما تکلیف مکن گناه ما ببخش و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور تو مولای ما هستی پس ما را برگروه کافران پیروز گردان (بقره، آیه ۲۸۶).

وَلَا تُقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: و به مال یتیم جز به شیوه ای که بهتر است نزدیک نشوید تا به حد بلوغ (جسمی و روانی) خود برسند، و پیمانہ و ترازو را عادلانه به تمام بدهید- ما هیچ کس را (در عقاید و اعمال) جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم- و چون (به عنوان داوری یا گواهی یا افتاء یا غیره) سخن گویند عدالت ورزید هر چند (در مورد) خویشاوند باشد، و به پیمان خدا (در پذیرش اصول و فروع شریعت) به کمال وفا نمایید. اینهاست که خدا شما را بدان سفارش نموده شاید متذکر شوید (انعام، آیه ۱۵۲).

وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ: وما هیچ نفسی را (در مراحل ایمان و عمل) جز به مقدار توانش تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است (به نام لوح محفوظ یا صحیفه عمل هر مکلف) که به حق سخن می‌گوید (و جزئیات اعمال را دقیقاً بازگو می‌کند) و آنها (در روز جزا) مورد ستم و نقص پاداش قرار نمی‌گیرند (مومنون، آیه ۶۲).

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند- (و البته) ما هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کنیم- آنها یاران بهشتند که در آنجا جاوداندند (اعراف، آیه ۴۲).

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا: هر مالداري از مال خود نفقه دهد، و کسی که تنگدست باشد، از هر چه خدا، به او داده است نفقه دهد خدا هیچ کسی را مگر به آن اندازه که به او داده است مکلف نمی‌سازد، و زودا که خدا پس از سختی آسانی پیش آورد (طلاق، آیه ۷).

در قسمتی از این آیات خداوند می‌فرماید هیچ کس بیش از قدرتش مکلف نمی‌شود و همه چیز به میزان توانایی است. و صابونی در تفسیر صفوه التفاسیر آورده است که خداوند بر بندگان خود لطف و بذل روا داشته و فرموده به هیچ یک از بندگانم تکلیفی نمی‌کنم که از توانشان خارج باشد و نتوانند آن را انجام دهند و تمام تکالیف مطابق توانایی انسان مقرر شده‌اند (صابونی، ۱۳۹۱). و طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است که: تکلیفی که در قدرت فرد نباشد ظلم است و خداوند نسبت به بندگان ظالم نیست (طباطبایی، ۱۳۷۶). در فرهنگ لغت دهخدا واژه **وسع** به معنی قدرت و توانایی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲) (این آیه را در تربیت می‌توان به موضوع تفاوت‌های فردی ارجاع داد- تفاوت‌های که یک فرد در کلیت یا میزان صفات روحی خود با دیگران دارد و او را از آنان متمایز و مشخص می‌سازد. یا هر گونه قضاوت ویژگی یا کمی باعث امتیاز یا شناخته شدن یک فرد از افراد دیگر می‌شود (فرمهبینی، ۱۳۷۸) - و در برنامه ریزی درسی می‌توان یکی از ملاک‌های انتخاب محتوا را ذکر کرد که عبارت است از قابلیت یادگیری<sup>۱</sup> و ب این مطلب تطابق دارد که: گاهی محتوای انتخاب شده به علت عدم تناسب با ویژگی‌ها و تجربیات فراگیر مشکل است و گاهی به علت سازماندهی نامناسب محتوا، یادگیری موثر انجام نمی‌پذیرد. از هر دو بعد باید هماهنگی و تناسب را حفظ کند (ملکی، ۱۳۸۶). محتوا باید قابلیت یادگیری داشته باشد یعنی اینکه یادگیرنده بتواند بفهمد، در غیر این صورت دانش‌آموز به حفظ کردن طوطی‌وار رو خواهد آورد و معمولاً هم پس از امتحانات از ذهن دانش‌آموز پاک می‌شود (مقام دوست به نقل از ملکی، ۱۳۸۹).

یعنی هر کس دارای ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فردی است و نمی‌توان از همه به یک اندازه انتظار داشت و این سخنی است با مربیان (چه آموزگاران در مدارس و محیط‌های آموزشی و چه والدین در خانه) که نسبت به تربیت متریبان سخت‌گیری نکنند و بیشتر از توان و به تعبیر قرآن وسع‌شان به آن‌ها فشار نیاورند چون براستی سخت‌گیری در تربیت آثار و عواقب نگران‌کننده‌ای به دنبال خواهد داشت. هافمن<sup>۲</sup> از تحقیقی چنین نتیجه می‌گیرد: کودکانی که در خانواده سخت‌گیر بزرگ می‌شوند، معمولاً مطیع و فرمانبردارند، ولی در اکثر موارد رفتار آنها توأم با پرخاشگری است. این کودکان احساس ناامنی می‌کنند و از خود استقلال کافی ندارند. آنها در بین هم‌بازی‌های خود محبوبیت زیادی را به دست نمی‌آورند. برای حقوق دیگران احترام قائل نمی‌شوند و در برابر انتقاد

<sup>۱</sup> Learnability)

<sup>۲</sup> .Hafman



بزرگ‌ترها بی تفاوتند و از ثبات عاطفی کمی برخوردار هستند و سرانجام این که گرایش بیشتری به انحرافات اخلاقی از خود نشان می‌دهند (احدی؛ بنی جمالی، ۱۳۸۷).

آیاتی که در دسته اول (استفاده از زبان روان و سلیس و استفاده از روش‌ها و محتوای قابل درک) قرار دارند عبارتند از: **يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلِقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا**: خدا می‌خواهد بار شما را سبک کند، زیرا آدمی ناتوان آفریده شده است (نساء، آیه ۲۸).

**وَلَقَدْ يَمْسِرُنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ**: و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند آیا پند گیرنده‌ای هست ؟ (قمر، آیه ۴۰).

**فَأِنَّمَا يَسِرُنَا لِبَلْسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا**: این قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا رهیزگاران را مژده دهی و ستیزه‌گران را بترسانی (مریم، آیه ۹۷).

شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس ونبات من الهدی والفرقان فمن شهد منکم الشهر فلیصمه ومن کان مریضاً أو علی سفر فعدّه من ایام آخر یرید اللہ بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ولتکملوا العده ولتکبروا اللہ علی ما هداکم ولعلکم تشکرون: ماه رمضان، که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هدایت و، جدا ساختن حق از باطل، قرآن نازل شده است پس هر کس که این ماه را دریابد، باید که در آن روزه بدارد و هر کس که بیمار یا در سفر باشد، به همان تعداد از روزهای دیگر خدا برای شما خواستار آسایش است نه سختی و باید که آن شمار را کامل سازید و خدا را بدان سبب که راهنمایی‌تان کرده است به بزرگی یاد کنید و سپاس گویند (بقره، آیه ۱۸۵).

**قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**: بگو: پروردگار من تنها زشتکاری‌ها را چه آشکار باشند و چه پنهان و نیز، گناهان و افزونی جستن به ناحق را، حرام کرده است، و نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است، یا درباره خدا چیزهایی بگویند که نمی‌دانید (اعراف، آیه ۳۳).

**إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ تَخْضُوعُهُ قَتَابٌ عَلَيْكُمْ فَافْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَن سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَافْرُؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ**: به یقین پروردگار تو می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب و (گاهی) نصف آن و (گاهی) یک سوم آن را (برای نماز و عبادت) به پا می‌خیزی و هم چنین گروهی از کسانی که با تو داند و خداست که شب و روز را (به واسطه تنظیم حرکت وضعی زمین در برابر خورشید) اندازه می‌دهد، او می‌داند که شما هرگز آن را (مقدار دو سوم، نصف و یک سوم شب‌ها را به دقت در تمام فصول) حساب فراگیر نتوانید نمود، پس بر شما عطف توجه کرد (و تخفیف داد) اکنون آنچه از (نماز شب و) قرآن میسر شود بخوانید، او می‌داند که به زودی برخی از شما بیمار خواهند بود و گروهی دیگر در طلب روزی خدا مسافرت می‌کنند، و گروهی دیگر در راه خدا به کارزار می‌پردازند، پس (در شب‌ها) هر چه از قرآن میسر شد بخوانید، و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و خدا را قرضی نیکو دهید و آنچه از عمل خیر برای خود پیش می‌فرستید آن را در نزد خدا نیکوتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت. و از خدا طلب آموزش کنید، زیرا خدا بسیار آموزنده و مهربان است (مزل، آیه ۲۰).

**وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَّلَّةً أُولَئِكَ هُمُ الْإِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ**: و در (راه) خدا به گونه‌ای که شایسته اوست جهاد کنید، او شما را (به اعطاء قرآن و اسلام) برگزیده، و در دین (اسلام) برای شما هیچ مشقت و سختی طاقت فرسایی

**قرار نداده** (هیچ حکم حرجی تشریح نکرده و هر حکم غیر حرجی که به حرج برخورد کرده رفع کرده است)، این دین، (در اصول و فروع) همان آیین و شریعت پدرتان ابراهیم است (ابراهیم، پدر محمد و محمد پدر امت اسلامی است، پس ابراهیم پدر مسلمین است)، او بود که شما را از پیش (در کتاب های انبیای گذشته) و در این (کتاب) مسلمان نامیده، (این انتخاب) برای این است که این پیامبر (در روز قیامت) گواه بر شما و شما گواهان بر مردم باشید (معصومان و اصفیاء آنها در قیامت گواهان افراد این امت و امت های گذشته خواهند بود). پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به خدا تمسک نمایید، او مولا و صاحب و سرپرست شماست، و چه خوب مولا و چه خوب یآوری است (حج، آیه ۷۸).

در همه آیات بالا موضوعی واضح و آشکار وجود دارد و آن هم آسانی و استفاده از روش های آسان و به نوعی آسان کاری در امور است. و از تفکر در این آیات می توان دریافت که پروردگار ما با لطف و مرحمت خویش بندگانش را به اموری که در آن مشقت و ناراحتی زیاد وجود داشته باشد مکلف ننموده و هیچ وقت نخواسته مردم را در تنگنا قرار دهد و دین خود را به منظور مهر و محبت و آسان گیری نازل فرموده است.

در دستورهای پیغمبر اکرم نقل کرده اند که وقتی مبلغ به اطراف و اکناف می فرستاد توصیه ها به آنها می کرد. از آن جمله وقتی معاذ بن جبل را به یمن فرستاد، وقت رفتن، این چند جمله را به او فرمود: **بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، يَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ** به مردم نوید بده، بشارت بده، مردم را تشویق کن، نترسان؛ طوری اسلام را برای مردم بیان نکن که از آن وحشت کنند، آنقدر سخت و مشکل برای مردم بیان نکن که از اول بگویند چه کار سختی! مطلب را طوری بگو که بفهمند تو اصلاً چیز خوب برایشان آورده ای و شوق و رغبتشان به سوی آن تحریک بشود (مطهری، ۱۳۸۷).

در حدیث دیگری حضرت صادق علیه السلام همین موضوع را به اصحابشان نصیحت می کردند، فرمودند: مردم را که دعوت می کنید آنها را نترسانید، سختگیری نکنید. بعد فرمود: روش ما اهل بیت بر سهولت و سماحت و آسانی است و روش دیگران (خوارج و دیگران) بر سختگیری است و همچنین پیامبر گرامی فرموده اند: آسان گیری و سهل انگاشتن مایه ی سود است و سخت گیری مایه ی شومی و بدبختی (کریمی فریدنی، ۱۳۸۴).

همچنان که در احادیث و روایات هم ذکر شده اساس و شیرازه ی تربیت نزد پیامبران و اصحاب پیامبر نیز بر مدار آسانی و مدارا بوده است. پس مربیان نیز باید به این امر واقف بوده و در تربیت متربیان خود راه درست و آسانی را برگزینند و در انتخاب تکالیف هم شرط را بر آسانی و قابل فهم بودن توسط متربیان قرار داده چنانکه در آیه ی ۹۷ سوره مریم خداوند متعال فرموده **"قرآن را بر زبان تو آسان کردیم"** یعنی قرآن را قابل فهم برای پیامبر فرو فرستاده و آیات قرآن به نحوی بوده اند که پیامبر به راحتی قادر به درک و حفظ کردن آن بوده است. همچنان که در بحث چگونگی انتخاب محتوا در آثار صاحب نظران برنامه های درسی نیز مشاهده می گردد بر رعایت مواردی چون: **سادگی**: محتوا باید با زبانی ساده و درخور فهم فراگیرندگان و برای هر مقطع و همان سن باشد. **وضوح و روشنی مطلب**: پرهیز از بکارگیری واژه های دشوار و بیگانه، ترکیبات دور از ذهن و نیز پوشیده گویی، **کوتاه نویسی**: تا حد امکان نوشته باید مختصر و مفید باشد و از بحث های خارج از موضوع پرهیز شود مگر در حد ضرورت بسیار توجه شده است (عصمتی پور، ۱۳۸۲).

یکی دیگر از نکاتی که از مطالعه این آیات برداشت می شود مساله **بردباری و شکیب بودن** با متربیان و بردباری در برخورد با اشتباهاتشان می باشد چنان که در آیه ی دیگری از قرآن آمده است که: **قَالَ لَا تَأْخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تَرْهَقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا**: گفت: اگر فراموش کرده ام مرا بازخواست مکن و بدین اندازه بر من سخت مگیر. که به داستان حضرت موسی (ع) برمی گردد که به حضرت خضر (ع) فرمود اگر فراموش کردم و اشتباهی از من سرزد مرا بخاطر این عملم بازخواست نکن و با من شکیب باش و این نیز خود یکی از اصول مهم تربیتی است که باید در برخورد با فراموش کاری یا اشتباهات متربیان شکیب بوده و به نرمی با آنها برخورد نماییم.

پس (آیا) هنگامی که خداوند در کل گستره هستی، در کار رحمت آوردن است، چرا باید به تنگ نظری و سخت گیری روی آورد؟ آیا این بدآهنگی کردن نیست که کسی بخواهد در بستر رودخانه خروشان هستی که از رحمت سرچشمه گرفته است، خلاف آب شنا کند؟ (باقری، ۱۳۸۷).

آیاتی که در دسته اول (اختیار و اراده متربی در امر تربیت) قرار دارند عبارتند از:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است پس هر کس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستش نباشد خدا شنوا و داناست (بقره، آیه ۲۵۶).

فَإِنْ حَاجَّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ: اگر با تو به داوری برخیزند بگو: من و پیروانم در دین خویش به خدا، اخلاص ورزیدیم به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا شما هم به خدا اخلاص ورزیده اید؟ اگر اخلاص ورزیده- اند پس هدایت یافته‌اند و اگر رویگردان شده‌اند، بر تو تبلیغ است و بس، و خدا بندگان را می بیند (آل عمران، آیه ۲۰).

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ: هر کس در گرو کاری است که کرده است (مدثر، آیه ۳۸).

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا: ما راه را به او نشان داده‌ایم، خواه سپاسگزار باشد یا ناسپاس (انسان، آیه ۳).

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا: بگو: این سخن حق از جانب پروردگار شماست هر که بخواهد ایمان بیاورد و، هر که بخواهد کافر شود ما برای کافران آتشی که دود آن همه را در بر می‌گیرد، آماده کرده‌ایم و چون به استغاثه آب خواهند از آبی چون مس گداخته که از حرارتش چهره‌ها کباب می‌شود بخوراندشان، چه آب بدی و چه آرامگاهی بد (کهف، آیه ۲۹).

در دیدگاه دینی اولاً، نقطه شروع حرکت تربیتی انسان خود اوست و نه دیگری و ثانیاً، در این میان، نقش قصد و اراده حقیقی نیز، کاملاً محوری و اصولی است انسان باید علاوه بر توانستن و تشنگی نسبت به چیزی، آن را بخواهد؛ چرا که یکی از اولین قدم‌ها در حرکت تربیتی انسان «اراده» است تا انسان را مرید راه سازد و امکان رفتن در گذرگاه‌ها را به او عطا کند و نمی‌شود هیچ انسانی را به زور به کاری واداشت. منظور ما کاری است که از روی علاقه و با رضایت قلبی انجام گیرد و نتیجه‌ای مثبت و درخور در پی داشته باشد وگرنه ممکن است کاری هم از روی زور و اجبار انجام گیرد ولی این انجام و نتیجه کجا و آن کجا. - در تربیت هم به همین منوال، و قرآن هم به صراحت اعلام می‌دارد که پذیرش دین اجباری نیست و با زور و اکراه نمی‌شود مردم را وادار به پذیرش اسلام کرد و مردم اختیار دارند که اسلام را بپذیرند یا نپذیرند "لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ". وقتی پذیرش اسلام، با رضایت و آزادی صورت گرفته است، تربیت نیز با رضایت و آزادی به وجود آید. هر فشار و تهدید ممکن است در ظاهر اثر نماید، ولی کارساز نیست. نمی‌توان با اجبار و فشار، دیگران را به سوی اخلاق نیکو و هدایت رهنمون ساخت، زیرا مادامی که فرد انگیزه، میل و رغبت نیابد، تربیت در او محقق نمی‌شود.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: اگر پروردگار تو بخواهد، همه کسانی که در روی زمینند ایمان می‌آورند آیا تو مردم را به اجبار و می‌داری که ایمان بیاورند؟ (یونس، آیه ۹۹).

و از مضمون این آیه نیز چنین برداشت می‌شود که ایمان اجباری و رهنمون شدن به راه راست با استفاده از زور اجبار هیچ سودی ندارد و چه بسا از فرد کافری برای دین مضرت‌تر باشد چون فرد کافر به صورت آشکار کافر است و همه از آن آگاهند ولی فرد دیگر در درون ایمان نیاورده و شاید فریب ظاهرش را خورده و آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد نماید. در تربیت نیز چنین است و حضرت امیر بر این حقیقت تربیتی تأکید داشتند و در دوران حکومت خویش، حتی در سخت‌ترین اوضاع و احوال سیاسی، مردم را با زور و فشار به مسیر تربیت نکشانند. ایشان خطاب به مردم می‌فرمودند: «لیس لی أن أحملکم علی ما تکرهون؛ مرا نرسد که شما را به چیزی وادارم که ناخوش می‌انگارید پیشوای موحدان معتقد بودند که مردم باید خود بخواهند تا در مسیر تربیت گام نهند، و گرنه نتیجه‌ای به دست نخواهد آمد. اگر مربی بخواهد کسی را به زور وادار به تربیت نماید، متربی اگر آمادگی هم داشته باشد، مقاومت می‌نماید، چون روح آدمی با زور و تهدید مخالف است. تربیت وقتی اثر دارد که جامعه یا فرد آمادگی پذیرش تربیت را داشته باشد. چنانچه بر اثر عوامل و اسبابی زمینه برای تربیت مساعد نیست، نخست باید موانع را برداشت آن گاه اقدام به تربیت نماید. در کل در این بخش آیات ذکر شده تأکید بر اراده و اختیار انسان داشته و از اجبار و اکراه در امورات نفی می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری

تربیت به معنای رشد و فزونی و نمو استعدادها و فعلیت بخشی به استعدادهای انسان در راستای دست‌یابی به کمالات بایسته و شایسته می‌باشد و هر جامعه‌ای برای پیشرفت و ترقی و رسیدن به نتایج عالی نیاز به شهروندانی مطلوب و خوب دارد و داشتن چنین شهروندانی نیز مستلزم داشتن مربیانی آگاه و فهیم دارد که به دانش و اطلاعات کافی در امر تربیت مجهز باشند. ولی مربیان باید از چه مواردی آگاه باشند و چه راه و رویه‌هایی را باید اتخاذ کنند؟ یکی از این مواردی که مربیان باید از آن آگاه باشند آسان‌گیری و تساهل در تربیت است و برای این منظور به دامان بزرگترین مربی و معلم که همان کلام الله باشد پناه برده، چون برآستی کتابی است که کلید همه رمزهای دو عالم در دستان اوست. آیات مرتبط استخراج شده و دریاقتیم که قرآن به چه زیبایی به این موضوع اشاره نموده و آیات فراوانی را در این زمینه یافتیم. اگر برنامه‌ریزان درسی ما در برنامه‌های درسی و مربیان ما به طور عام در تربیت به این امر اهتمام بورزند و برنامه‌های درسی و تربیتی خود را بر این امر بنا نهند و به ویژگی‌ها و توانایی‌ها، تناسب روش‌ها و محتواها توجه نموده و برنامه‌های تربیتی بر اساس اراده و اختیار مربیان تولید شوند قطعاً شاهد پیشرفت و توسعه در نظام‌های آموزشی از یک سو و توسعه و پیشرفت در تمامی سطوح زندگی خواهیم بود.

### منابع

۱. ابن ابی الحدید، ابوحامد. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، قم: کتابخانه ی آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق
۲. احدی، حسن؛ بنی جمال، شکوه سادات. (۱۳۸۸). روانشناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روانشناسی کودک، تهران: جیحون
۳. احمدزاده، عالم. (۱۳۸۹). مفهوم شناسی تربیت در قرآن کریم، راه تربیت، (۱۳)۵.
۴. باقری، خسرو. (۱۳۷۸). شیوه تسامح و مبنای آن در تربیت نبوی، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۴(۳)، صص ۲۸-۹.
۵. بحارالانوار
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۷). مشرب مهر: روشهای تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن، تهران: دفتر نشر کتاب

۹. صابونی، محمدعلی. (۱۳۹۱). صفوه التفاسیر، مترجم (سید محمد طاهر حسینی)، تهران: انتشارات احسان
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۶). تفسیر المیزان، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی
۱۱. عصمتی پور، محمد. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی‌درسی «با نگرشی بر فرایند طراحی و تدوین کتاب‌های درسی و روش‌های اجراء». تهران: امیرکبیر.
۱۲. عمید، حسن. (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، دو جلدی
۱۳. فرمپینی، محسن. (۱۳۷۸). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: شباهنگ
۱۴. فیروزآبادی، القاموس المحيط، (دار احیاء التراث العربی)، ج ۳، ص ۵۸۳
۱۵. قرآن کریم
۱۶. کرمی فریدنی، علی. (۱۳۸۴). نهج الفصاحه، پرتوی از پیام پیامبر، قم: انتشارات حلم.
۱۷. گاستون، میالاره. (۱۳۷۵). معنا و حدود علوم تربیتی، مترجم (علی محمد کاردان)، تهران: انتشارات سمت
۱۸. گروه نویسندگان. (۱۳۸۸). تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: موسسه امام خمینی
۱۹. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۵). تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ هشتم، تهران: الزهراء
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۳). مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران: صدرا، ص ۵۵۱
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). مجموعه آثار، ج ۲۶، تهران: صدرا
۲۳. مقام دوست، ابوبکر. (۱۳۸۹). بررسی میزان ارتباط عمودی محتوای کتاب‌های درسی جغرافیای دوره‌ی راهنمایی، براساس شاخص‌های برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه دبیران و کارشناسان شهرستان سردشت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۴. ملکی، حسن. (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). مشهد: پیام اندیشه.
۲۵. مهد یزاده، حسین. (۱۳۸۵). کاوشی در ریشه‌ی قرآنی واژه‌ی تربیت و پی آمد معنایی آن، معرفت، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شماره ۵۹.

# Philosophy of facilitation in education from the perspective of the Qur'an

Seyed Ezzedin Mahmoudi<sup>1\*</sup>, Alireza Bozorgzadeh<sup>2</sup>

*1-Master student of Payame Noor University of Karaj and director of Shahid Hosseinzadeh School in Klich village*

*2- Doctor of Management, Lecturer of Payame Noor University, Karaj*

---

## Abstract

The present article explores the verses of the Qur'an on the subject of facilitating education from the perspective of the Qur'an. First, the above-mentioned issues have been mentioned about education in general and education from the Quran's point of view. "Softness is defined as dealing with someone." Accordingly, the relevant verses and verses whose meanings and interpretations were interpreted in such a way are extracted and divided into three categories: 1. Paying attention to the ability and characteristics of educators (individual differences). Use fluent language and use understandable methods and content. The authority and will of the instructor in the matter of education are placed and then each of the categories is explained and opened.

**Keywords:** facilitation, Quran, educational methods

---